

نولیر الیسم و الگوهای نوسازی در کشورهای مسلمان

www.ketab.ir

مؤلفان

دکتر نسا زاهدی

دکتر حنا نه درشتی

سرشناسه	زاهدی، نسا، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	نولیبرالیسم و الگوهای نوسازی در کشورهای مسلمان / مؤلفان نسا زاهدی، حنا درشتی
مشخصات نشر	تهران: آریابان، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری	۱۸۳ ص.
شابک	۹۷۸ - ۹۶۴ - ۷۱۹۶ - ۹۷ - ۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی	فیب
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۷۳ - ۱۸۳؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع	نوآزادیخواهی - ترکیه Neoliberalism- Turkey نوآزادیخواهی - مصر Neoliberalism- Egypt اصلاحات اجتماعی - ترکیه - تاریخ - قرن ۲۰م. Social reform - Turkey - History - 20 th century اصلاحات اجتماعی - مصر - تاریخ - قرن ۲۰م. Social reform - Egypt- History - 20 th century ترکیه - اوضاع اقتصادی - قرن ۲۰م. Turkey - Economic conditions - 20 th century مصر - اوضاع اقتصادی - قرن ۲۰م. Egypt- Economic conditions - 20 th century
موضوع	موضوع
شناسه افزوده	درشتی، حنا، ۱۳۶۲ -
رده بندی کنگره	HC۴۱۲
رده بندی دیویی	۳۰ / ۹۵۶۱
شماره کتابشناسی ملی	۸۹۵۶۴۴۶



انتشارات آریابان

نولیبرالیسم و الگوهای نوسازی در کشورهای مسلمان

دکتر نسا زاهدی
دکتر حنا درشتی

چاپ: اول مهرماه ۱۴۰۱ تیراژ: ۲۰۰ نسخه
امور هنری: آریابان گرافیک
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۱۹۶-۹۷-۰۰

تهران - خیابان انقلاب - خیابان اردیبهشت - بن بست مبین - شماره ۸
تلفن: ۶۶۴۹۶۲۸۴ - ۶۶۴۱۳۰۳۱

نمابر: ۶۶۴۹۶۲۸۵
www.aryaban.org

بهاء ۱۵۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه.....	۹

فصل اول

نولیبرالیسم در تئوری و عمل.....	۱۵
مبانی نظری.....	۱۶
۱-۱- نولیبرالیسم.....	۱۶
۱-۱-۱- خاستگاه تاریخی نولیبرالیسم.....	۱۷
لیبرالیسم اقتصادی.....	۱۸
لیبرالیسم سیاسی.....	۱۸
لیبرالیسم کلاسیک.....	۱۸
لیبرالیسم جدید.....	۱۹
۱-۱-۲- عوامل عینی مؤثر بر شکل‌گیری نولیبرالیسم.....	۲۴
۱-۱-۳- آموزه‌های نولیبرال در اندیشه‌های جدید.....	۲۷
۱-۱-۴- آموزه‌های نولیبرال و توصیه‌های آموزه‌های اجماع واشنگتن.....	۳۶
۱-۱-۵- اصلاحات نولیبرال و آموزه اجماع پسا واشنگتنی.....	۳۷
۱-۲- جهانی شدن.....	۳۹
۱-۲-۱- سابقه تاریخی جهانی شدن.....	۴۰
۱-۲-۲- نظریات جهانی شدن.....	۴۱
۱-۲-۳- شاخص‌های جهانی شدن.....	۴۳
۱-۳- اصلاحات از منظر نولیبرالیسم و جهانی شدن.....	۴۴
۱-۳-۱- نولیبرالیسم، جهانی شدن و اصلاحات در ترکیه و مصر.....	۵۰
نتیجه‌گیری.....	۵۲

فصل دوم

بررسی اصلاحات ترکیه در فرآیند جهانی شدن و نولیبرالیسم.....	۵۳
۲-۱- عوامل ناسامانی اقتصادی ترکیه تا قبل از دهه ۱۹۸۰ و روی کار آمدن تورگورت اوزال.....	۵۴
۲-۲- کودتای ۱۹۸۰ و ورود اوزال به صحنه اقتصاد.....	۵۵
۲-۳- تحولات سیاسی و اقتصادی ترکیه در دوران اوزال ۱۹۸۰-۱۹۹۲.....	۵۷
۲-۴- پیامدهای سیاست نولیبرال اقتصادی اوزال در دهه ۱۹۸۰.....	۵۸
۲-۵- جهانی شدن اقتصاد در دهه ۱۹۸۰ و تأثیر آن بر سیاست‌های اقتصادی ترکیه.....	۶۳
۲-۶- علل پیروزی حزب عدالت و توسعه (عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر روند اصلاحات).....	۶۷
۲-۷- شاخص‌های اصلاحات اقتصادی.....	۶۸

۶۸	۱-۷-۲- تصویب قانون ۴۰۴۶ خصوصی سازی در سال ۱۹۹۴ با محورها.....
۶۹	۲-۷-۲- تشکیل شورای عالی خصوصی سازی به عنوان نهاد مسئول در خصوصی سازی ترکیه.....
۶۹	۳-۷-۲- اجرای خصوصی سازی اقتصادی از طریق فروش، اجاره، تفویض حقوق عملیاتی، ایجاد حقوق مالکانه و مدل سهمیه سود.....
۷۱	۴-۷-۲- تصویب قانون حمایت از سرمایه خارجی در سال ۲۰۰۲.....
۷۳	۵-۷-۲- تمهیدات اقتصادی برای جذب شرکت های چند ملیتی.....
۷۳	۶-۷-۲- اتخاذ سیاست های پولی و بانکی خاص.....
۷۴	۷-۷-۲- افزایش بهره وری نیروی انسانی در ترکیه.....
۷۴	۸-۷-۲- شکل گیری سرمایه های اسلامی.....
۷۷	۸-۲- شاخص ها اصلاحات سیاسی.....
۷۷	۱-۸-۲- تبدیل نگاه امنیتی به سیاسی و اجتماعی.....
۷۷	۲-۸-۲- حمایت از مردم سالاری.....
۸۰	۹-۲- شاخص های توسعه و اصلاحات اجتماعی.....
۸۵	نتیجه گیری.....

فصل سوم

۸۷	پرسی اصلاحات مصر در فرآیند جهانی شدن از ۱۹۸۰.....
۸۹	۱-۳- بسترشناسی ضرورت اصلاحات در مصر (عوامل داخلی و خارجی مؤثر).....
۹۴	۲-۳- اصلاحات در دوره سادات.....
۹۵	۱-۲-۳- دموکراتیزاسیون سیاسی (آزادی های سیاسی و نظام پارلمانی).....
۹۵	۲-۲-۳- عرصه دادن به گروه ها و سازمان های اسلامی (فضای باز برای اسلامگرایی و سازمان های مذهبی).....
۹۵	۳-۲-۳- سیاست گشایش فضای اقتصادی - سیاسی (آغاز سیاست اقتصاد نولیرالی).....
۱۰۱	۳-۳- روند اصلاحات سیاسی، اقتصادی در دوران مبارک.....
۱۰۲	۱-۳-۳- آزادسازی سیاسی در دوران مبارک کثرتگرایی و ایجاد فضایی باز سیاسی.....
۱۰۷	۱) بحران بدهی های خارجی.....
۱۰۸	۲) بحران جهانی غذا (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱).....
۱۰۸	۳) بحران جهانی اقتصاد.....
۱۱۲	۲-۳-۳- روند اصلاحات و گشایش اقتصادی.....
۱۱۷	۴-۳- تحولات سیاسی، اقتصادی دوره سوم (از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰).....
۱۱۸	۵-۳- آسیب شناسی دلایل ناکامی اصلاحات اقتصادی در دوره مبارک.....
۱۲۳	۶-۳- دلایل ناکامی اصلاحات سیاسی در دوره مبارک.....
۱۳۰	نتیجه گیری.....

مقدمه

اکثر نظریه پردازان توسعه بر نقش حیاتی دولت در فرآیند توسعه تأکید دارند یعنی صرف نظر از هر استراتژی برای توسعه و الگوهای لیبرالی یا غیر لیبرالی از مدل نوسازی، سه مسئله را پیرامون ماهیت عملکرد دولت‌ها دارای اهمیت می‌دانند: ساختار، جهت‌گیری و بستری که دولت در آن عمل می‌کند. علت توسعه نیافتگی بسیاری از کشورها فارغ از ایدئولوژی استخدام شده، نه دخالت دولت یا عدم دخالت آن در اقتصاد بلکه کیفیت پایین حکومت‌داری و بستر سیاسی اجتماعی عمل دولت است. دولت‌هایی که از قدرت استقلال طبقاتی و توانایی‌های دیوان‌سالارانه بالا برخوردارند قادرند که مسیر توسعه کشور را به سمت و سوی بهتری متمایل کنند. از این جهت طرح مبحث جایگاه دولت در تحول صنعتی، در مجامع آکادمیک و سیاست‌گذاری بین‌المللی جایگاه رفیعی دارد. بحث کتاب حاضر در خصوص نقش دولت در شتاب بخشی به پروژه توسعه کشور است و اینکه استخدام نظریه‌هایی که قادرند مسیر پیشرفت را به سمت و سوی خاصی هدایت کنند؛ چگونه تحت تأثیر عملکرد دولت‌ها، خروجی‌های متفاوتی را نشان می‌دهند. در این جا نوع رابطه دولت با گروه‌های اجتماعی و طبقات مختلف و جایگاه تکنولوژی‌های پیشرفته در حوزه اقتصادی، اهمیت مبنایی دارد. اینکه کدام دولت‌ها و با چه ساختار درونی و یا رابطه بیرونی با گروه‌های اجتماعی و فضای بین‌المللی می‌توانند این تحول را شدت ببخشند اهمیت زیادی را نشان می‌دهد. طی دهه‌های گذشته شاهد بازنگری در نقش دولت در فعالیت‌های اقتصادی بوده‌ایم. در مجموع سه موج از نظریه پردازی‌ها پیرامون نحوه ارتباط

دولت با توسعه وجود دارد. در موج اول طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، افرادی چون گرشنکرون، روزنشتاین و هیرشمن معتقد به نارسایی بازار و ضرورت دخالت دولت‌ها بوده‌اند. در موج دوم در اواخر دهه ۱۹۷۰، به دلیل نارسایی‌های دولت و هزینه‌های بالای این مداخله، بسیاری از اندیشمندان خواهان تکیه بر ساز و کارهای بازار شده‌اند. این سیاست‌ها در وفاق واشنگتنی، تحت عنوان نولیر الیسم شناخته می‌شود و در نهایت موج سوم که از اوایل دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت و بر لزوم هماهنگی دولت و بازار تکیه داشت. در این رویکرد دولت همچون کشتی‌ای است که دولت، سکاندار آن، بخش خصوص، موتور محرکت و جامعه مدنی، روغن و تسهیلگر امور تلقی می‌شود. در این الگو دولت‌ها نقش مهمی در ارائه چشم‌اندازها، نظام نظارتی و کنترلی داشته‌اند تا مشکلات حرکت جمعی و شکست بازار را به حداقل برسانند. به علاوه قوه قضائیه مستقل و حرفه‌ای، اهمیت بسیار بالایی داشت و بخش خصوصی به دلیل انضباط بازار به درستی عمل می‌کرد. رابطه دولت و بخش خصوصی به جهت مشارکت نهادها و تشکل‌های مدنی به دور از فساد و ارتشا بود. دولت ترکیه از دهه ۱۹۸۰ سرپرستی مسیر توسعه را برعهده گرفت و از میان دولت‌های توسعه‌گرا، یکی از بهترین نمونه‌ها بود که با استخدام رویه‌های نولیرالی توانست مسیر پیشرفت اقتصاد سیاسی کشور را در حوزه مدنی قرار دهد. ماهیت عملکرد دولت توسعه‌خواه ترکیه به گونه‌ای بود که در مقایسه با نمونه مصری دولت آن، تفاوت‌های فاحشی را نشان می‌دهد. به تفصیل می‌توان گفت طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بسیاری از رژیم‌ها در سراسر جهان اقدام به تأسیس نهادهای مردمسالار مانند راه‌اندازی نظام‌های سیاسی چند حزبی و برگزاری انتخابات و مجلس کردند. گذار برخی جوامع به ویژه در اروپای شرقی موجی از خوش‌بینی را نسبت به برقراری مردمسالاری در دیگر بخش‌های جهان به وجود آورد. طبق این دیدگاه بسیاری از رژیم‌ها در سراسر جهان در منطقه خاکستری بین مردمسالاری لیبرال و اقتدارگرایی تمام عیار قرار داشتند و به عنوان مردمسالاری‌های واجد شرایطی بودند که در مسیر حرکت به سوی مردمسالاری کامل قرار داشتند. جهان عرب نیز از این قاعده مستثنی نبود در بسیاری از کشورهای منطقه مانند مصر، الجزایر، تونس، اردن و سوریه انتخابات چند حزبی برگزار و مجالسی تشکیل شد. رژیم‌های عربی همزمان با آزادی‌های سیاسی فرآیند اصلاحات اقتصادی را نیز برای رسیدن به اقتصادهای سرمایه داری و بازار محور آغاز کردند.

بدین ترتیب موج سوم مردمسالاری انتظاراتی را در بین تحلیلگران سیاست‌های غرب نسبت به امکان گذار مردمسالارانه در خاورمیانه به وجود آورد. در این دهه بسیاری اظهار می‌داشتند

که خیزش‌های اروپای شرقی نیز باعث افزایش مطالبات مردم برای تغییر در جهان عرب شده و رهبران مصر را به باز کردن فضای بیشتر برای بیان نارضایتی‌ها برانگیخته است. بر این اساس رهیافت‌هایی ارائه شد و محققان به علت‌یابی اصلاحات و تداوم اقتدارگرایی به ویژه در خاورمیانه روی آوردند. عده‌ای از پژوهشگران، مطالعاتی درباره اهمیت اجازه دادن به فعالیت احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات به عنوان راهی برای کنترل اپوزسیون در استبدادهای تا حدی لیبرال شده انجام دادند و آن را عامل اصلی تداوم اقتدارگرایی دانستند.

مطالعات دیگری بر بستر اقتصادی متمرکز شد و اینکه چگونه می‌توان ساختارهای غیر مردمسالار را در دولت‌های تولیدکننده نفت یا دولت‌های دیگر دارای مقادیر قابل توجهی از رانت تفسیر کرد. در حالی که برخی دیگر از محققان معتقد بودند که ظرفیت‌های بالای سرکوبگری دولت‌های عربی علت اصلی پایداری آنهاست، عده‌ای نیز بر این نظر بودند که سیاست‌های غرب به ویژه ایالات متحده در خاورمیانه عامل عمده تداوم اقتدارگرایی بوده است.

ارزیابی عملکرد اقتصادی، سیاسی دولت در مصر و ترکیه تا قبل از ۱۹۷۰ تحت تأثیر فضای یاد شده حاکی از این است که این دو کشور دارای درآمد سرانه برابر، درجه توسعه هماهنگ و ساختار اقتصادی همگون بوده‌اند. هر دو کشور از دهه ۱۹۸۵ دوره‌هایی از رکود و تورم که مشخصه دوره مدرن خاورمیانه بود را تجربه کردند، همزمان جذب اقتصاد جهانی شدند و با امپریالیسم اروپا، گسترش تجارت جهانی، اشاعه ارتباطات، حمل و نقل مکانیکی و الکترونیکی، جریان وسیع سرمایه خارجی، ایده‌های غرب‌گرایانه، ملی‌گرایی، دین جدایی و آزادی سیاسی مواجه شدند.

ترکیه همانند سایر کشورهای در حال توسعه از اواخر قرن ۱۹ تحت تأثیر ساختار اقتصاد جهانی دچار تغییرات عمیقی شد که با تبدیل اقتصاد بسته و درون‌نگر، روابط جدیدی را در اقتصاد و سیاست تجربه کرد. دگرگونی قابل توجه از اوایل قرن ۱۹ که ترکیه را در مسیر اصلاحات قرار داد حاکی از این است که ساخت سیاسی یک کشور در فرآیند تصمیم‌گیری و تعیین قدرت و تمرکز تصمیم‌گیری دارای اهمیت است. با قدرت‌گیری نظامیان در ۱۹۸۰، اوزال با جهت‌گیری اقتصادی روی کار آمد. این تصمیم در تغییر ساختار اقتصاد به سوی صادرات، سرمایه‌گذاری خارجی و قروض خارجی اثر مستقیم داشت. بنابراین اگر چه برداشتن مرزها، اقتصاد ترکیه را آسیب‌پذیر کرد؛ اما مفهوم جدیدی از سیاست ترکیه را نشان داد.